

اشاره:

مقررات داوری نخستین بار در سال ۱۲۹۰ در مقررات اصول محاکمات حقوقی پیش بینی شد. در حال حاضر باب هفتم از قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، به این موضوع اختصاص داده شده که به اختصار به آن می پردازیم.

برابر مقررات جاری، کلیه اشخاص حق دارند با توافق یکدیگر، اختلافشان را از طریق ارجاع به یک یا چند داور حل و فصل کنند؛ البته فرقی ندارد که اختلاف آنها در دادگاه طرح شده یا نشده باشد یا در صورت طرح در چه مرحله ای از رسیدگی است.

مزیتی که این شیوه دارد آن است که از این طریق، اصحاب دعوی بدون هیچ گونه تشریفات اداری و مواجه شدن با اصطلاحات حقوقی و تشریفات دست و پاگیر دادرسی، با زبان ساده و گاه با هزینه کمتر، اختلاف خود را حل و فصل می نمایند.

ارجاع امر به داوری هنگام تنظیم قرارداد

طرفین هر معامله ای حق دارند ضمن معامله یا به موجب قرارداد جداگانه، توافق کنند که در صورت بروز اختلاف بین آنان، به داوری مراجعه کنند. آنها می توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند و حتی می توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار نمایند.

در مورد قراردادهای مابین اتباع ایران و اتباع خارجی، طرف ایرانی نمی تواند تا زمانی که اختلاف ایجاد نشده در قرارداد ملتزم شود که: " در صورت بروز اختلاف، حل آن را به داور یا داوران یا هیئت حل اختلاف (با تابعیت خارجی) موکول می نماید". هر معامله ای که در آن بر خلاف این قاعده رفتار شود، در قسمتی که با قانون مخالفت دارد باطل و بدون اثر خواهد بود.

ارجاع به داوری در دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی

در دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی (برای مثال دعوی خلع ید از ساختمان وزارت...)، ارجاع به داوری پس از تصویب هیئت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می گیرد. در مواردی که طرف، دعوی خارجی یا موضوع دعوی از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی ضروری است.

موضوع و مدت داوری

در هر موردی که داور تعیین می شود، باید موضوع و مدت داوری و مشخصات طرفین و داور یا داوران (به نحوی که اشتباه رفع شود)، تعیین گردد. در صورتی که تعیین داور بعد از بروز اختلاف باشد، موضوع اختلاف که به داوری ارجاع شده، باید به طور روشن مشخص و مراتب به داوران ابلاغ گردد.

در مواردی که:

- طرفین معامله متعهد به معرفی داور شده ولی داور یا داوران خود را معین نکرده باشند،
 - یا در موقع بروز اختلاف نخواهند یا نتوانند در معرفی داور اختصاصی خود اقدام نمایند،
 - یا در تعیین داور ثالث تراضی نمایند و تعیین داور به دادگاه یا شخص ثالث نیز محول نشده باشد،
- یک طرف می تواند داور خود را معین کرده و او را به وسیله اظهارنامه رسمی به طرف مقابل خود معرفی و درخواست تعیین داور نماید یا اینکه نسبت به تعیین داور ثالث تراضی نماید. در این صورت طرف مقابل مکلف



است ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه، داور خود را معرفی یا در تعیین داور ثالث تراضی کند. هرگاه تا پایان مدت یاد شده اقدامی صورت نگیرد، ذی نفع می تواند حسب مورد برای تعیین داور به دادگاه مراجعه کند.

در مواردی که مقرر شده حل اختلاف به یک داور ارجاع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضی نمایند و نیز در صورتی که: - داور یکی از طرفین فوت شود یا استعفا دهد و طرف مقابل نخواهد جانشین او را معین کند،

- یا در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده، آن شخص از تعیین داور خودداری کند یا تعیین داور از طرف او غیرممکن باشد،

هر یک از طرفین می توانند با معرفی داور مورد نظر خود به وسیله اظهارنامه، از طرف مقابل درخواست نماید که ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه نظر خود را در مورد داور واحد اعلام کند یا حسب مورد در تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او به وسیله ثالث مقدور نگردیده، اقدام نماید. در صورتی که با انقضای مهلت اقدامی به عمل نیاید، ذی نفع می تواند برای تعیین داور به دادگاه مراجعه کند. هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز رضایت ندهند، رسیدگی به اختلاف، با دادگاه می باشد.

چنانچه در قرارداد داوری تعداد داور معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، هر یک از طرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر را با توافق یکدیگر به عنوان داور سوم تعیین نمایند.

چه اشخاصی نمی توانند به عنوان داور انتخاب شوند

اشخاص ورشکسته، مجنون، صغیر و سفیه (کسانی که اعمالشان در امور مالی شان عقلایی نمی باشد) و نیز کسانی که به موجب حکم قطعی دادگاه یا در اثر آن از داوری محروم شده اند، نمی توانند به عنوان داور انتخاب شوند. حتی اگر طرفین اختلاف با انتخاب آنان موافق باشند، باز هم نمی توان آنان را به عنوان داور تعیین کرد.

البته اشخاص زیر نیز از سوی دادگاه به عنوان داور انتخاب نمی شوند مگر آنکه طرفین اختلاف در این امر اتفاق نظر داشته و با یکدیگر موافق باشند:

- اشخاصی که کمتر از ۲۵ سال سن دارند.
- اشخاصی که خودشان در موضوع مورد اختلاف ذی نفع هستند.
- اشخاصی که با یکی از طرفین اختلاف رابطه فامیلی (سببی یا نسبی) تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند (برای مثال پدر، خواهر، برادرزاده، پسرعمو و...)
- اشخاصی که قیم یا کفیل یا مباشر امور یکی از طرفین اختلاف هستند یا طرفین اختلاف مباشر امور آنان می باشند.
- اشخاصی که خود یا همسرانشان وارث یکی از طرفین اختلاف باشند.
- اشخاصی که با یکی از طرفین دعوا یا با اشخاصی که رابطه فامیلی (سببی یا نسبی) تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از طرفین دعوا دارند، در گذشته یا در حال حاضر محاکمه کیفری داشته باشند.
- اشخاصی که در خود یا همسرانشان یا یکی از فامیل ها (سببی یا نسبی) تا درجه دوم از طبقه سوم او، با یکی از اصحاب دعوی یا همسر یا یکی از فامیل های سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او محاکمه مدنی داشته باشند.
- کارمندان دولت در حوزه مأموریتشان (البته باید توجه داشت که کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در دستگاه قضایی نمی توانند دآوری کنند هر چند با رضایت و توافق طرفین دعوی باشد).

حدود اختیارات و وظایف داوران

طرفین اختلاف باید اسناد و مدارک خود را به داوران ارایه و تسلیم نمایند. داوران نیز می توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای تصمیم گیری نیاز به نظر کارشناسی دارند، از کارشناس استفاده کنند.

داوران در رسیدگی و صدور رای، تابع تشریفات و مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نیستند ولی باید مقررات دآوری را رعایت کنند. در هر حال رای داور باید موجه و مستدل باشد و مخالف مقررات و قوانین ایجاد کننده حق مانند "قانون مدنی" نباشد. برای مثال داور نمی تواند در تعیین سهم الارث سهم دختر را دو برابر سهم پسر قرار دهد یا در مورد تخلیه مکان استیجاری غیرتجاری برای مستأجر حق کسب و پیشه تعیین کند. رای داور قابلیت اجرا دارد و اگر محکوم تا ۲۰ روز پس از ابلاغ رای داور را اجرا نکند، دادگاه به درخواست ذی نفع (طبق رای داور)، برگ اجرایی صادر خواهد کرد و همانند احکام دادگاه ها این رای اجرا خواهد شد. باید توجه داشت که رای در پاره ای از موارد باطل بوده و قابلیت اجرا

ندارد. این موارد عبارتند از:

- رأی داور بر خلاف مقررات و قوانین ایجاد کننده حق باشد. برای مثال در مسئله مطالبه وجه نقد، به این دلیل که رسید مدعی سند عادی است، از رسیدگی به آن خودداری کند یا در دعوی مطالبه نفقه زوجه، از زوج هزینه مسکن را به این دلیل که زن دارای خانه شخصی است، به حساب نیاورد و ...

- داور نسبت به مطالبی که موضوع داوری نبوده رای صادر کرده باشد.
- داور خارج از حدود اختیارات خود رای صادر کرده باشد. البته در این حالت فقط آن قسمت از رای که خارج از حدود اختیار او بوده باطل می باشد.
- رای داور با آنچه که در دفتر املاک اداره ثبت یا بین طرفین اختلاف در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است، مخالف باشد.
- رای به وسیله داورانی صادر شده باشد که مجاز به صدور رای نبوده اند.

- قرارداد راجع به ارجاع امر به داوری بی اعتبار بوده باشد.
در موارد گفته شده، هر یک از طرفین اختلاف حق دارد ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی داور به دادگاه شکایت کرده و بطلان رای داور را درخواست نماید. دادگاه نیز مکلف است به درخواست او رسیدگی کرده و هرگاه رای از موارد مذکور در بالا باشد، حکم به بطلان آن صادر خواهد کرد به این صورت که تا رسیدگی به اصل دعوی و قطعی شدن رای دادگاه، رای داور متوقف می ماند و اجرا نخواهد شد.



رای داور فقط درباره " طرفین اختلاف "، " اشخاصی که در تعیین داور دخالت و شرکت داشته اند " و " قائم مقام قانونی آنها " معتبر است و نسبت به سایر اشخاص تاثیری نخواهد داشت.

داوری در طلاق

قبل از هر چیز باید توجه داشت که دعاوی راجع به " اصل نکاح و فسخ آن "، " طلاق " و " نسب " قابل ارجاع به داوری نمی باشد.

موضوع دیگر آنکه از تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۸ زوج هایی که قصد طلاق و جدایی دارند، بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مراجعه و اقامه دعوی کنند. اگر اختلاف آنان از طریق دادگاه و داورانی که از سوی دادگاه برگزیده می شوند حل و فصل نگردید، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش، آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. داوری در طلاق تابع شرایط گفته شده در بندهای دیگر نمی باشد. پس از ارجاع امر به داور از سوی دادگاه، هر یک از زوجین موظف هستند ظرف ۲۰ روز از آن تاریخ، یک نفر از بستگان خود را (که مسلمان و آشنا به مسایل اجتماعی، خانوادگی و شرعی است، حداقل ۴۰ سال دارد، متأهل و معتمد بوده و حسن شهرت نیز دارد) به دادگاه معرفی کنند.

در صورتی که بین بستگان زوجین فرد واجد این شرایط وجود نداشت، یا اینکه حاضر به پذیرش داوری نبود، زوجین می توانند داور خود را از بین افراد دیگر که واجد صلاحیت اند تعیین و معرفی کنند. در صورت امتناع آنها از معرفی فرد مزبور، دادگاه رأساً از بین افراد واجد صلاحیت مبادرت به تعیین داور خواهد کرد.

داوران منتخب زوجین یا منصوب از سوی دادگاه، موظف اند که با برگزاری حداقل دو جلسه با حضور زوجین، سعی در رفع اختلاف بین آنها داشته باشند و چنانچه موفق نگردیدند، نظر خود را بر امکان یا عدم امکان سازش به دادگاه تسلیم نمایند. در صورت عدم امکان سازش، گزارشی کتبی مبنی بر عدم امکان سازش (مطابق عقدنامه و شروطی که در آن آمده)، تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان و حل و فصل مسایل مالی با امضای داوران و زن و شوهر باید تحویل دادگاه شود.